



Political, Military, Economic and Cultural Strategies of Iran toward the Countries of the Persian Gulf Area

Mohammad Khajeh¹ | Seyyed Yahya Safavi Hammami²

Abstract

Neighborhood approaches have undergone various changes and developments throughout the life history of countries, which are due to internal and external factors. The exercise of foreign power, geopolitical, political, economic, military conditions, as well as cultural, ethnic and religious differences, have historically caused challenges, convergences and aggressions of neighboring countries. Iran is also one of the influential countries in the region, which has had fluctuations in proximity to its neighbors during the past periods. And approaches of J.A. Iran originated. In the new situation and with the neighborhood approach of the thirteenth government, it seems that a new approach to the neighbors is being formed, which requires the formulation and implementation of strategies in political, economic, cultural and military dimensions that can be used to repair challenges and Past misunderstandings. In this article, while briefly introducing the countries of the Persian Gulf, strategies for presenting a new approach in relation to neighbors are presented.

Keywords: Strategy, Political, military, economic, and cultural strategies, Iran, Persian gulf, Countries in Persian Gulf Area.

DOR: 20.1001.1.20086121.1401.21.1.5.2

1. Corresponding Author, Ph.D. Candidate, Imam Hussein University, Tehran, Iran
Majidsalami9212@gmail.com
2. Full Professor, Imam Hussein University, Tehran, Iran



راهبردهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس

محمد خواجه^۱ | سید یحیی صفوی همای^۲

چکیده

رویکردهای همسایگی در طول تاریخ حیات کشورها، دستخوش تغییرات و تحولات مختلفی شده است که ناشی از عوامل داخلی و خارجی است. اعمال قدرت کشورهای خارجی، شرایط ژئوپلیتیکی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و نیز تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی، در طول تاریخ باعث بروز چالش‌ها، همگرایی‌ها و واگرایی‌های کشورهای همسایه نسبت به هم شده است. ایران نیز یکی از کشورهای تأثیرگذار منطقه است که در طول ادوار گذشته، دارای نوسانات هم‌جواری با همسایگان خود بوده است که پس از انقلاب اسلامی، این نوسانات به دلیل سیاست‌های کشورهای غربی و خاصه آمریکایی‌ها و نیز سوءبرداشت‌های کشورهای منطقه و به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس بیشتر شده است. در شرایط جدید و با رویکرد همسایه‌گرایی دولت سیزدهم، به نظر می‌رسد که رویکردی نوین به همسایگان در حال شکل‌گیری است که این رویکرد نیازمند تدوین و اجرای راهبردهایی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی است که با استفاده از آن‌ها بتوان به ترمیم چالش‌ها و سوءبرداشت‌های گذشته پرداخت. در این مقاله ضمن معرفی مختصر کشورهای حوزه خلیج فارس، به ارائه راهبردهایی برای پی‌ریزی رویکرد نوین در رابطه با همسایگان پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: راهبرد؛ راهبرد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی؛ ایران؛ خلیج فارس؛ کشورهای حوزه خلیج فارس.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

Majidsalami9212@gmail.com

۲. استاد، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

مقدمه

موقعیت حساس و راهبردی ایران در خاورمیانه و وجود بحران‌ها و عدم ثبات سیاسی در کشورهای مجاور و وجود چالش‌های سیاسی با همسایگان، باعث به وجود آمدن تهدیدهایی علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از بزرگ‌ترین تهدیدات فرامنطقه‌ای که حوزه نفوذ آن به این منطقه حساس و راهبردی وارد شده است، آمریکا است. آمریکا با تداوم حضور خود در منطقه و ایجاد روابط با دول همسایه ایران در شمال، جنوب، شرق و غرب، در صدد ایجاد فضای رعب و وحشت، و تنش‌زا در ارتباط ایران با کشورهای منطقه است. مخالفت ایران با طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا در منطقه، به رسمیت نشناختن رژیم صهیونیستی و احساس خطر آن از ناحیه ایران، تأکید بر استقلال، منجر به احساس خطر از این ناحیه برای آمریکا و متحدان غربی و منطقه‌ای آن شده است. به همین دلیل و بنابر اهمیت راهبردی ایران و سیاستی که در قبال این دولت‌ها سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده است، باعث مقابله شدید آمریکا در فضای بین‌المللی شده است. راهبرد آمریکا در خاورمیانه در قبال ایران مبتنی بر محدود ساختن و منزوی کردن و به طور کلی حذف ایران از معادلات قدرت در منطقه است و برای رسیدن به این مهم و نیز تسلط بر منابع اقتصادی و موقعیت راهبردی منطقه، از تمام ابزار دیپلماسی و حتی نظامی در مقیاس گسترده استفاده می‌کند.

از سوی دیگر، منطقه‌ای که از زمان‌های گذشته از نظر گاه کشورهای مختلف، والاترین جایگاه ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک را داشته و هم‌چنان آن را حفظ کرده است، منطقه خلیج فارس است.

وجود کشورهای نفت‌خیز با اوضاع متشنج و ضعف داخلی، متکی بودن به قدرت‌های خارجی، مجاورت ژئوپولیتیک با پاکستان و افغانستان و نیز تمایز عمده در بافت و ساختار سیاسی - اقتصادی خلیج فارس، از ویژگی‌های متمایز این منطقه در مقایسه با سایر مناطق حوزه خاورمیانه است (مجتهدزاده ۱۳۷۹: ۳۳۴).

منطقه خلیج فارس با پشت سر گذاردن یکصد سال از اهمیت یافتن تاریخی به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و همچنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و بالتبع امنیتی در منطقه، در کانون توجه بسیاری از قدرت‌ها بوده است. در نیم قرن اخیر، بدون

تردید خلیج فارس یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپولیتیک و محاسبات راهبردی بوده است، و با توجه به دگرگونی‌های عمیق و جاری در سطح بین‌الملل، جنگ‌ها و درگیری‌های دو دهه اخیر، انقلاب ایران و مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل، می‌توان ادعا کرد که در قرن بیست و یکم می‌رود که به صورت مهم‌ترین کانون توجه نگرش‌ها و محاسبات راهبردی در آید و به تعبیر کلاسیک ژئوپولیتیک، هارتلند یا قلب زمین نام گیرد.

علاوه بر اینها، مشکلات ساختاری از قبیل عدم یکپارچگی و نیز ضعف ساختاری کشورهای منطقه و وابستگی آن‌ها به کشورهای قدرت‌مند خارج از منطقه، ضعیف بودن کشورها در تأثیرگذاری بر سیاست‌های بین‌المللی منطقه در قبال کشورهای دیگر، فعال نبودن مشارکت دولت‌ها در تأمین امنیت منطقه، وجود اختلافات مذهبی شدید، بی‌اعتمادی کشورهای منطقه نسبت به سیاست‌های دولت‌های دیگر، دخالت عامل بیگانه و... در طول سالیان منجر شده است که کشورهای منطقه هیچگاه نتوانند با موفقیت و اعتماد به نفس در صدد پیشبرد وضعیت امنیتی و نیز پی‌گیری منافع و اهداف خود با اتکا به نیرو و توان ملی بدون دخالت بیگانگان به مقاصد خود نائل شوند.

وجود جو بی‌اعتمادی میان کشورها و عدم تمایل به ایجاد پیمانهای منطقه‌ای، زمینه هم‌کاری دوجانبه و یا چندجانبه میان دولت‌ها و واحدهای اقتصادی منطقه را از میان برده و می‌برد. به همین دلیل، برخی از کشورهای منطقه برای دستیابی به اهداف و منافع و نیز تأمین امنیت خود، به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای متوسل می‌شوند. نتیجه این سیاست، ایجاد تنش در روابط دولت‌های منطقه با یکدیگر، افزایش جو بی‌اعتمادی و دخالت فراگیر عامل بیگانه است.

ظهور افکار ناسیونالیستی مانند پان‌عرب‌یسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم و توطئه‌های بیگانگان و منفعت‌طلبان با ایجاد تفرقه میان مذاهب مختلف اسلامی، ضعف رهبران در اداره امور جامعه و همچنین وجود برخی حکومت‌های اقتدارگرا، این منطقه را تبدیل به کانونی از تحولات و تنش‌ها در دنیای کنونی کرده است. همچنین بحران مشروعیت در کشورهای عربی و موج بیداری تحت تأثیر دموکراسی خواهی، درگیری‌های سیاسی و مذهبی درون منطقه‌ای، ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در اثر جنبش‌های آزادی‌خواهی از دیگر عوامل آسیب‌پذیری کشورهای منطقه است. همه این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا کشورهای عرب منطقه در اثر تدابیر نادرست سیاسی، ضعیف‌ترین و با وجود منابع عظیم نفتی، وابسته‌ترین کشورهای منطقه به خارج محسوب

شوند. ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم و راهبردی در حوزه خلیج فارس و دریای خزر و با بهره‌مندی از منابع و توان لازم برای تسلط بر این منطقه، همواره مورد توجه دولت‌های قدرتمند جهان بوده است. ایران به عنوان بزرگ‌ترین و ثروتمندترین کشور حوزه خلیج فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم منطقه‌ای شناخته می‌شود.

موقعیت ژئواستراتژیکی ایران که از طرف جنوب به خلیج فارس و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از ناحیه غرب و شمال غرب با عراق، سوریه، ترکیه و آذربایجان همسایه است، بر قدرت این کشور و توان بالقوه بازیگری با نفوذ در عرصه معادلات منطقه افزوده است. حوزه گسترده تمدن اسلامی که درصد بسیار زیادی از منطقه آسیای جنوب غربی را تحت نفوذ دارد و نیز گستره تمدن ایرانی که از شرق و شمال شرق تا مناطقی از غرب و شمال غرب را تحت تأثیر خود قرار داده است، بر ظرفیت و توان ایران اسلامی در راستای بهره‌برداری از فرصت‌ها و مطرح کردن خود به عنوان قدرت هژمون منطقه می‌افزاید (ذوالفقاری ۱۳۸۶: ۱۵).

بیان مسئله

دیپلماسی نیچه به کشورها کمک می‌کند تا با تمرکز منابع خود در حوزه‌های خاص، به نتایج مهمی دست یابند. به همین دلیل، بسیاری از کشورهای کوچک به دلیل نداشتن منابع کافی جهت ساخت قدرت مورد نظر برای تأمین منافع ملی، به استفاده از «دیپلماسی نیچه» روی می‌آورند تا با تمرکز منابع در حوزه‌هایی که در آن دارای مزیت هستند، به منزلت ملی دست یابند. منزلت ملی، تصویری است که از یک کشور در افکار جامعه جهانی ساخته می‌شود. این تصویر می‌تواند مفاهیم مثبت و منفی گوناگونی را در برگیرد.

بین قدرت ملی یک کشور و میزان نقش‌آفرینی آن در روابط بین‌الملل رابطه مستقیمی وجود دارد. اگر قدرت ملی را مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی در قلمرو یک واحد جغرافیایی به نام کشور یا دولت تعریف کنیم، در ساخت این قدرت دو عامل و به عبارتی دو قدرت سخت‌افزاری و نرم‌افزاری موثرند. قدرت سخت به قهرآمیز بودن و توانایی در اجبار تعریف شده است. بر اساس این تعریف، در نظام بین‌الملل بازیگر و کشوری توانمند و قدرتمند به شمار می‌رود

که از جمعیت زیاد، وسعت سرزمینی، نیروی نظامی و منابع طبیعی بیشتری برخوردار باشد. اما قدرت نرم قدرتی است که استفاده از آن باعث می‌شود دیگران از روی رضایت مطابق خواست ما رفتار کنند. دکتر «عبدالله قنبرلو» عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی معتقد است، با استفاده از قدرت نرم بر گزینه‌ها یا ترجیحات طرف مقابل نفوذ می‌کنیم و آن‌ها را مطابق میل خود تغییر می‌دهیم، بدون این که طرف مقابل احساس اجبار کند.

سابقه ایجاد تفرقه میان کشورهای منطقه و ایران به قبل از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. اما آنچه این شکاف و اختلاف را دامن زد، پیروزی انقلاب اسلامی بود که با وسوسه‌های غرب و صهیونیسم، کشورهای منطقه با برداشت‌های غلط از انقلاب اسلامی، به دشمنی با آن پرداختند. این دشمنی از سال ۱۳۵۷ تاکنون به صورت‌های مختلف و در سطوح نظامی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، و اقتصادی استمرار داشته است. کشورهای منطقه خلیج فارس برای مقابله با انقلاب اسلامی و تضعیف تأثیرات آن بر ملت‌های منطقه، از راهبردهای مختلفی نظیر اتحاد با قدرت‌های غربی، همکاری با رژیم صهیونیستی، کمک به رژیم صدام در جنگ تحمیلی، ناامن‌سازی مرزها و فضای داخلی کشور، کمک به ایجاد و تسلیح و پشتیبانی داعش برای تجزیه منطقه و... استفاده کرده‌اند. به دلیل استمرار این راهبردهای خصمانه علیه ایران، این دغدغه همچنان وجود دارد که در سال‌های آینده نیز این سناریوها تکرار شوند؛ بنابراین ایران نیز باید در حوزه‌های چهارگانه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، و نظامی دارای راهبردهایی برای مقابله با آن‌ها و خنثی‌سازی آثار آن راهبردها باشد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

الف- اهمیت پژوهش

- ۱- شناخت نقش و جایگاه واقعی کشورهای خلیج فارس در راهبرد دفاعی کشور، منجر به درک توانایی‌ها، فرصت‌ها و مزیت‌های دفاعی ملی و محیطی خودی خواهد شد.
- ۲- تدوین و اجرای هرگونه اقدام راهبردی برای تأمین منافع و امنیت ملی، نیاز به شناخت ویژگی‌های بارز و تأثیرگذار محیط خلیج فارس، و فرصت‌ها و تهدیدهای نهفته در آن دارد.

- ۳- انجام این گونه تحقیقات، می تواند به رفع نواقص و کمبودهای احتمالی موجود و یا آینده و خاصه در حوزه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، و نظامی کمک شایانی کند.
- ۴- ایجاد زمینه های نگاه واقع بینانه در مسئولان و دست اندرکاران بخش های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، دفاعی و نظامی کشور در حوزه خلیج فارس، دستاورد دیگری است که از طریق چنین تحقیق هایی حاصل می شود.
- ۵- یکی از دستاوردهای مهم چنین مطالعاتی، پی بردن به نیازهای واقعی در حوزه های چهارگانه فوق است. جغرافیای راهبردی خلیج فارس و تنگه هرمز به دلیل ویژگی های منحصر به فرد می تواند تولیدکننده قدرت دفاعی بازدارنده و در نتیجه ارتقای امنیت ملی باشد. این ارتقای امنیت در گرو تدوین راهبردهای درست در حوزه های بالا است.

ب- ضرورت تحقیق

- ۱- نادیده گرفتن اهمیت و جایگاه راهبردی خلیج فارس به عنوان سکوی توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و نظامی ایران در حال و آینده و بی توجهی به امنیت و دفاع از آن، می تواند هزینه های زیادی را در آینده تحمیل کند.
- ۲- کم توجهی به اهمیت منطقه ای و جهانی خلیج فارس و کشورهای حاشیه آن، از حیث بازدارندگی، دفاعی و نظامی و نیز تهدیدزایی آن، می تواند عواقب سوئی در بر داشته باشد.
- ۳- کم توجهی به ویژگی های راهبردی خلیج فارس، می تواند فرصت های قابل دسترس اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، دفاعی و نظامی ایران را به تهدید تبدیل نموده و فرصت کافی را در اختیار دشمن قرار دهد.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و روش تحقیق توصیفی-تحلیلی می باشد. همچنین در این پژوهش برای جمع آوری اطلاعات از روش های کتابخانه ای استفاده شده است.

پرسش اصلی پژوهش

راهبردهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس چیست؟

پیشینه پژوهش

راهبرد، مؤلفه‌ها و ماهیت

الف- راهبرد

تاکنون تعاریف مختلف و گاه ناسازگاری از راهبرد و مدیریت راهبردی ارائه شده است. به تعبیر یکی از متخصصان علم مدیریت، این عبارات مانند «هنر» است که وقتی آن‌ها را می‌بینیم، تشخیص دادن آن‌ها آسان است، اما وقتی در پی تعریف کردن و توضیح دادن آنیم، خیلی مشکل به نظر می‌رسد. با این حال، در این جا به برخی از تعاریف ارائه‌شده، اشاره می‌شود.

سابقه استعمال نظری و کاربرد عملی این مفهوم، حداقل به عصر «سون تزو» در حدود ۵۵۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) باز می‌گردد. کارشناسان معتقدند که او اولین کسی است که با نگاشتن این رساله، توجه‌کننده و به کار گیرنده مفهوم راهبرد در ابعاد نظامی است که بسیاری از اندیشمندان عرصه نظامی، تنها «کارل فون کلووز ویتس» را همتای او می‌دانند.

راهبرد معادل فارسی کلمه «استراتژی» است. گفته شده است که کلمه استراتژی از واژه یونانی «استراتژیو» مشتق شده است که «کامینگز» آن را به عنوان فردی توصیف می‌کند که در قرن پنجم قبل از میلاد در جامعه یونان، مسئولیت رهبری جمعی را برای تصمیم‌گیری‌ها در برابر جامعه بر عهده داشته است. این توصیف نشان می‌دهد که واژه راهبرد، از نوعی طبقه و رفتار اجتماعی در جامعه یونان نشأت گرفته است که ربطی وثیق با موضوع تصمیم‌گیری و هدایت و رهبری دارد. تصمیم‌گیری به‌هنگام و هدایت و رهبری صحیح به‌سوی نیل به اهداف، نیازمند نوعی سمت‌گیری ویژه برای تخصیص بهینه منابع و به کارگیری درست توانمندی‌هاست. این امر تنها در چارچوب راهبرد محقق خواهد گردید. بسیاری از اندیشمندان نظامی نیز این واژه را معادل راه پیروزی معنی کرده‌اند. برخی نیز به تعاریف کاربردی‌تر از راهبرد روی آورده‌اند و راهبرد را به‌مثابه چگونگی به کارگیری مفاهیم و منابع برای دستیابی به برتری‌های نسبی تعریف کرده‌اند. (زه‌دی، ۲۱: ۱۳۸۴)

مفهوم راهبرد یا استراتژی؛ ابتدا به معنای فن، هدایت، تطبیق و هماهنگ‌سازی نیروها برای نیل به اهداف جنگ در علوم نظامی به کار گرفته شد. در جای دیگر، استراتژی، مجموعه‌ای از اهداف

اصولی و سیاست‌ها و برنامه‌های کلی به منظور نیل به این اهداف است؛ به گونه‌ای که قادر به تبیین این موضوعات باشد که در چه کسب و کاری و چه نوع سازمانی فعالیت می‌کنیم و یا می‌خواهیم فعالیت نماییم.

چاندلر استراتژی را اینگونه تعریف می‌کند: استراتژی عبارت است از یک طرح واحد، همه‌جانبه و تلفیقی که نقاط قوت و ضعف سازمان را با فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی مربوط ساخته و دستیابی به اهداف اصلی سازمان را میسر می‌سازد. (چاندلر، ۱۹۶۲)

اندروز^۲ (۱۹۷۱) می‌گوید: استراتژی عبارت است از الگوی منظورها، مقاصد، اهداف، خط‌مشی‌های اصلی و طرح‌هایی برای دستیابی به اهداف. (غفاریان، ۱۳۸۷: ۱۶)

جان ام. کالینز در اثر خود، بر این اعتقاد است که تدوین راهبرد، در واقع هنر و علم استفاده از گزینه‌هاست؛ گزینه‌هایی که در یک مورد برای یک رهبر یا یک ملت مناسب است و در سایر موارد، ممکن است گزینه‌های نامناسبی باشد. (کالینز، ۱۳۸۹: ۱۱)

ب- ماهیت راهبرد

این که راهبرد ماهیتاً چیست و بر چه مواردی دلالت دارد، از مباحث بسیار مهم در شناخت مفهوم این واژه است. برخی اندیشمندان در آثار خود، از راهبرد به معنای صرف طرح‌ریزی سخن می‌گویند و برخی دیگر آن را بر مجموعه‌ای از اقدامات صرف اطلاق می‌نمایند. شناخت ماهیت راهبرد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، تا اندازه‌ای می‌تواند از این اختلاف نظرها جلوگیری نماید.

شاید بتوان گفت اولین کسی که از راهبرد به عنوان یک شیوه خاص برای دسترسی به اهداف نام می‌برد و آن را در یک مفهوم ابزاری خاص تعریف می‌کند، کلاوزویتس است. او راهبرد را به معنای «استفاده از درگیری‌ها برای دستیابی به هدف جنگ» تعریف می‌کند. (زهدی، ۱۳۸۳: ۲۱)

برخی راهبرد را «وسیله‌ای برای بیان اراده و عزم سازمان در قالب عبارات اهداف بلندمدت، برنامه‌های اجرایی و ماهیت‌های تخصیص منابع می‌دانند. کسانی از راهبرد را تبیین‌کننده قلمرو رقابتی سازمان می‌دانند و گروهی دیگر، ماهیت راهبرد را به صورت زیر تعریف می‌کنند:

- راهبرد، عکس‌العملی در برابر فرصت‌ها و تهدیدهای بیرونی و قوت‌ها و ضعف‌های درونی، به منظور کسب برتری رقابتی پایدار است.

1. Chandler
2. Andrews

- راهبرد، روشی برای تبیین وظایف مدیریتی در سطوح سازمانی، رشته کاری و وظیفه‌ای است.
 - راهبرد، یک الگوی منسجم، پیوسته و یک پارچه تصمیمات است.
 - راهبرد، تبیین کننده کمک‌های اقتصادی و غیراقتصادی است که سازمان در نظر دارد به ذی‌نفعان خود ارائه دهد.
 - راهبرد، بیان کننده نیت راهبردی و گستره سازمان است.
 - راهبرد، ابزاری برای توسعه شایستگی‌های محوری سازمان است.
 - راهبرد، ابزاری برای سرمایه‌گذاری در منابع ملموس و غیرملموس، به منظور توسعه قابلیت‌ها و حصول اطمینان از وجود برتری مداوم است. (هکس و مجلوف، ۱۳۸۷: ۱۴-۳)
- در جمع‌بندی می‌توان گفت؛ هیچ‌یک از این تعاریف به تنهایی نمی‌تواند ذات و ماهیت راهبرد را به‌طور جامع و مانع تبیین کند. هر یک از آن‌ها، وجهی از وجوه راهبرد را نمایان می‌سازند و وجوه دیگر را از نگاه‌ها پنهان می‌دارند. در مجموع، می‌توان گفت که راهبرد ذاتاً به مجموعه‌ای از طرح‌ها و اقدامات دلالت دارد که شیوه‌های بهینه نیل به اهداف را تبیین می‌کند. بدیهی است اگر این اهداف در سطح ملی تعریف شوند، یک راهبرد ملی (بزرگ) خواهد بود و اگر در سطح پیروزی در یک رویارویی با دشمن تعریف شوند، یک راهبرد عملیاتی و یا راهکنشی (تاکتیکی) برای رسیدن به پیروزی است.

ج- ویژگی‌های راهبرد

امروزه در تبیین راهبرد مناسب، گفته می‌شود راهبردی مناسب است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- ۱- قابل اجرا باشد؛
- ۲- بر نقاط قوت و استفاده از فرصت‌ها تکیه داشته باشد؛
- ۳- با ارزش‌های ملی و سازمانی سازگار باشد؛
- ۴- بومی و خاص آن سازمان باشد؛
- ۵- نسبت به رقبا برتری ایجاد کند؛
- ۶- نگاه به آینده داشته باشد؛
- ۷- روشن و گویا باشد. (شهلائی، ۱۳۸۵: ۱۰۴)

خلیج فارس

الف - مشخصات

خلیج فارس، از نظر زمین‌شناسی، دارای عمری به قدمت ۳۰ میلیون سال است و تاریخ تنش در آن را حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش می‌دانند که از تمدن ایلام (عیلام) در شمال آن آغاز شده است. (اقتداری، ۱۳۵۶: ۱۴ و ۴) پس از عیلام، تمدن‌های سومر، بابل (در شمال خلیج فارس)، آشور (در شمال بابل) و هخامنشیان، از تمدن‌هایی هستند که تنش‌ها و جنگ‌های آنان در منطقه خلیج فارس و شمال آن وجود داشته است. (اقتداری، ۱۳۵۶: ۳۴، ۳۲، ۲۳، ۱۷)

خلیج فارس دریای کم‌عمقی است که در حاشیه غربی اقیانوس هند واقع شده و بین شبه جزیره عربستان و جنوب ایران قرار دارد. مساحت این دریا حدود ۲۳۹۰۰ کیلومتر مربع، طول آن از دهانه اروندرود تا تنگه هرمز که به دریای عمان می‌پیوندد، قریب ۸۵۰ تا ۹۰۰ کیلومتر و عرض آن بین ۱۸۰ تا ۲۵۰ کیلومتر متغیر است. عمیق‌ترین محل در قسمت جنوبی تنگه هرمز و نزدیک رأس‌المسندام، ۱۸۲ متر می‌باشد. عمق متوسط خلیج فارس حدود ۲۵ متر می‌باشد.

طول مرز آبی کشور ایران با خلیج فارس، با احتساب جزایر، حدود ۱۸۰۰ کیلومتر و بدون احتساب جزایر، حدود ۱۴۰۰ کیلومتر است (جام جم، ۱۳۵۶). طول خلیج فارس از تنگه هرمز تا آخرین نقطه پیش‌روی آن در جهت غرب، حدود ۸۰۵ کیلومتر است. عرض‌ترین بخش خلیج فارس ۱۸۰ مایل (۲۹۰ کیلومتر) می‌باشد. عمیق‌ترین نقطه خلیج فارس با عمق ۹۳ متر در ۱۵ کیلومتری تنب بزرگ و کم‌عمق‌ترین نقطه آن با عمقی بین ۱۰ تا ۳۰ متر در سمت غرب است. همچنین جزایر متعددی در خلیج فارس وجود دارند (ویکی پدیا، ۲۰۱۱).

طول مرزهای ساحلی ۸ کشور این حوزه با خلیج فارس، به ترتیب زیر است:

- ۱- ایران: ۱۵۳۴ کیلومتر (حدود ۴۹/۲۷٪ کل سواحل خلیج فارس)؛
- ۲- عراق: ۷۴ کیلومتر (برابر با ۳۳/۱٪ کل سواحل خلیج فارس)؛
- ۳- کویت: ۴۹۹ کیلومتر (برابر با ۹۴/۸٪ کل سواحل خلیج فارس)؛
- ۴- عربستان سعودی: ۹۶۰ کیلومتر (برابر با ۲/۱۷٪ کل سواحل خلیج فارس)؛
- ۵- قطر: ۵۶۳ کیلومتر (برابر با ۰۹/۱۰٪ کل سواحل خلیج فارس)؛
- ۶- بحرین: ۱۶۱ کیلومتر (برابر با ۸۹/۲٪ کل سواحل خلیج فارس)؛
- ۷- امارات عربی متحده: ۸۰۰ کیلومتر (برابر با ۳۴/۱۴٪ کل سواحل خلیج فارس)؛

۸- عمان: ۳۰۰ کیلومتر (برابر با ۳۸/۵٪ کل سواحل خلیج فارس).^۱

ب- اهمیت و جایگاه خلیج فارس

در یک نگاه کلان و همه‌جانبه، می‌توان دلایل اهمیت و جایگاه خلیج فارس را موارد زیر دانست:

- ۱- دارا بودن بزرگ‌ترین ذخایر نفت؛
- ۲- به لحاظ راهبردی، دنباله اقیانوس هند بودن؛
- ۳- پیوند خوردن با درگیری‌های اعراب و رژیم صهیونیستی؛
- ۴- احساس خطر از ناحیه اسلام سیاسی در کشورهای منطقه و روند روزافزون آن؛
- ۵- وابستگی صنعت غرب به امنیت ترانزیت نفت در این منطقه.

همسایگان جنوبی ایران در خلیج فارس که شامل کشورهای عربی هستند، با سطح پایین اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، وجود بحران مشروعیت و عدم ثبات سیاسی، پایگاهی محکم و متحدی راهبردی برای آمریکا شده‌اند. عدم روابط دوستانه تاریخی با کشورهای عربی و پیشینه روابط نه چندان موفق ایران و این دولت‌ها، همواره راه را برای حضور دشمنان ایران در این منطقه باز کرده است. در بخش جنوبی ایران، دولت امارات متحده عربی دست در دست‌های عضو شورای همکاری خلیج فارس همچنان به تهدید منافع ایران می‌پردازد و چند بار اعلام کرده که از ایران به دادگاه بین‌المللی شکایت خواهد برد (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۷۶).

ورود شرکت‌های نفتی بعد از جنگ جهانی دوم به حوزه خلیج فارس، خود موجب تحولات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی بسیار زیاد شد و این منطقه تا اکنون نیز نتوانسته است به یک تعادل راهبردی که تأمین‌کننده منافع ملی کشورهای این حوزه باشد، دست یابد» (ابراهیم معاصر، ۱۳۸۲: ۱۳).

با نگاهی مختصر به جایگاه انرژی در تأمین امنیت جهانی، به نقش کلیدی خلیج فارس به عنوان یکی از منابع و ذخایر مهم انرژی دنیا پی می‌بریم. رویدادهایی که در دهه‌های ۶۰، ۷۰، ۸۰ و حتی دهه ۹۰ میلادی رخ داد، بیان‌گر این واقعیت بود که انرژی نقشی انکارناپذیر در تحولات جهانی و به ویژه در کشورهای صنعتی دارد.

1. Jane, s Sentinel, November 1999 – April 2000, P. 34-38.

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

خلیج فارس عمدتاً شامل کشورهایی است که با مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، و ساختاری روبه‌رو هستند. همین عقب‌ماندگی‌های ساختاری زمینه‌ساز ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در منطقه هستند. همین امر به بازیگران خارجی فرصت لازم را برای ایفای نقش اصلی در منطقه خلیج فارس داده است. عامل بیگانه با حضور مستقیم خود، نقش اصلی را در منطقه بازی می‌کند و این خود پیامد اوضاع داخلی منطقه است.

کشورهای حاشیه خلیج فارس به علت وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و در واقع، تک محصولی بودن، دارای وضعیت اقتصادی مطلوبی نیستند، و شدیداً در مقابل نوسانات قیمت نفت آسیب‌پذیرند. علاوه بر مشکلات اقتصادی، فقر عمومی و نسبی که در جوامع این دولت‌ها برقرار است، از جمله عوامل بی‌ثباتی این دولت‌ها و وابستگی شدید آن‌ها به دولت‌های خارجی است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپولیتیکی کشورهای نفت‌خیز خاورمیانه، عدم اتکای کامل آن‌ها به تفکرات انسانی ملت‌هایشان است که به دلیل وابستگی شدید آن‌ها به درآمد نفت است که آن‌ها هم از خارج تأمین می‌شود. پس تکیه زمامداران این کشورها به سیاست خارجی و متحدان خارجی است که به نحوی می‌توانند در تأمین بودجه این کشورها از طریق خرید نفت و گاز کمک نمایند. این عامل مهم و خلأ ژئوپولیتیک ناشی از آن، موجب گردیده است که هیچ‌یک از این کشورها امنیت پایدار همه‌جانبه و درک‌شده‌ای نداشته باشند و در هر تغییر و تحول راهبردی به سرعت دچار بحران شوند. به این عوامل مشکلات بنیادی، اقتصادی و زیرساختی نیز اضافه می‌شوند. با توجه به آنچه از قبل پیرامون ویژگی‌ها و مشکلات ساختاری کشورهای حوزه خلیج فارس مطرح شد، تا حدودی مشکلات امنیتی فراروی جمهوری اسلامی ایران از این منظر، قابل درک است.

ج - کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس

در این بخش اشاره‌ای مختصر به کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس صورت گرفته است:

۱- امارات متحده عربی

امارات متحده عربی کشوری در جنوب غرب آسیا، واقع در منطقه خاورمیانه و در بخش شرقی جهان و هم‌مرز با دریای عمان و خلیج فارس است و میان عمان و عربستان سعودی قرار دارد. این کشور در یک جایگاه راهبردی در نزدیکی‌های تنگه هرمز و در شاهراه مهم ترابری نفتی جهان، جای گرفته است.

بیشتر امارات متحده عربی بیابان با تپه‌های شن و ماسه‌ای بزرگ و روان است. مناطق کرانه‌ای امارات در خلیج فارس، پست و مسطح است، در حالی که رشته کوه حجر بر شمال شرق کشور تسلط دارد کوه مَبْرَح (کوه پیر)، بلندترین نقطه کشور، در آنجا واقع شده است که ارتفاعش به ۱۷۲۷ متر می‌رسد. امارات متحده عربی هیچ رودخانه یا دریاچه قابل توجهی ندارد. این کشور در خلیج فارس شمار زیادی جزیره کوچک دارد.

شهرهای اصلی امارات متحده عربی در کنار خورها پدید آمده‌اند. این خورها در دوره پیشامدرن بستری برای پیشه‌های ماهیگیری و صید مروارید فراهم می‌کردند. معروف‌ترین آنها خور دبی است که در دوران‌های باستان تا واحه العین امتداد داشت و یونانیان به آن رودخانه زارا می‌گفتند.

مساحت این کشور تقریباً ۸۳،۶۰۰ کیلومتر مربع است که در رده ۱۱۵ دنیا از نظر پهناوری قرار می‌گیرد. امارات سومین کشور بزرگ شورای همکاری خلیج فارس است. امارات جزایر پرشماری در خلیج فارس دارد و بر برخی از جزیره‌های ایران و قطر نیز ادعای مالکیت می‌کند.

آب و هوای امارات متحده عربی به‌طور کلی در طول روز بسیار گرم و آفتابی است، اما شب‌ها خنک‌تر می‌شود. گرم‌ترین ماه‌های سال ژوئیه و اوت است که طی آن میانگین حداکثر دما در دشت ساحلی از ۵۰ درجه سانتی‌گراد بالاتر است. (<https://lahzeakhar.com/Destination>)

۲- بحرین

پادشاهی بحرین، کشوری جزیره‌ای از کشورهای عرب در جنوب خلیج فارس است که ۷۷۸ کیلومتر مربع وسعت دارد. پایتخت آن منامه و زبان رسمی آن عربی و انگلیسی است. استان‌های بحرین به پنج استان تقسیم شده است.

این کشور از ۳۳ جزیره شکل یافته که بیشتر آن‌ها از بیابان تشکیل می‌شوند و بلندترین نقطه آن تنها ۱۲۴ متر ارتفاع دارد. بحرین آب‌وهوایی بیابانی با زمستان‌هایی معتدل و تابستان‌هایی بسیار گرم و رطوبتی دارد. نفت و گاز طبیعی و ماهی و مروارید از منابع طبیعی این کشور است، اما کاهش ذخیره نفتی باعث شده تا بحرین در سال‌های اخیر به سمت فرآوری و تصفیه نفت حرکت کرده و به یکی از مراکز بانکی بین‌المللی تبدیل شود.

بحرین کشور ثروتمندی نیست و حتی بخشی از انرژی آن را عربستان تأمین می‌کند. این دو کشور با یک پل ۲۵ کیلومتری که به نام گذرگاه ملک فهد معروف است و در سال ۱۹۸۶ افتتاح شد، به یکدیگر متصل می‌شوند.

امروزه، اقتصاد کشور بحرین وابسته به بانکداری، هواپیمایی موفق و خدمات فرودگاهی، بنادر مجهز صنعتی، صنایع ساخت و تعمیر کشتی و ناوها است.

بحرین اولین کشور حوزه خلیج فارس است که نفت در آن اکتشاف شده ولی منابع نفت و گاز آن بسیار محدود است. اقتصاد سنتی بحرین وابسته به مروارید بوده اما در حال حاضر بیشتر درآمد ساکنان بحرین از بانکداری و گردشگری تأمین می‌گردد. به هر روی نفت و فراورده‌های نفتی ۶۰ درصد صادرات و درآمد دولت این کشور و همچنین ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی بحرین را تشکیل می‌دهد. تنها صنعت سنگین داخلی این کشور تولید آلومینیوم است که در مقیاس فراوان تولید و عرضه می‌شود. بحرین رتبه نخست تولید این محصول در خاورمیانه و رتبه پنجم آن را در سطح جهانی داراست. واحد پول بحرین دینار است که هر یک دینار برابر با ۶۵/۲ دلار می‌باشد.

گروه‌های قومی بزرگ بحرین. به شرح زیر هستند:

بحرانی‌ها یا بحارنه عرب‌های بومی بحرین که شیعه هستند و بزرگ‌ترین گروه قومی این کشور را تشکیل می‌دهند. جمعیت آن‌ها در سال ۱۹۹۵ در آمار اتنولوگ حدود ۳۰۰ هزار نفر برآورد شده است.

ایرانیان بحرین یا عجم‌ها هم که بیشتر آنان مهاجرانی هستند که بیش از چندین قرن است که از جنوب ایران از فارس و بوشهر به بحرین مهاجرت کرده‌اند و در این جزیره زندگی می‌کنند و به رغم سکونت طولانی در این جزیره، همچنان به فارسی صحبت می‌کنند.

اسلام دین رسمی بحرین است. بر اساس سرشماری سال ۲۰۰۱ حدود ۸۱،۰۲ درصد کل جمعیت بحرین مسلمان، ۹ درصد مسیحی «اتباع، مهاجران» و ۹،۰۸ درصد پیرو دیگر ادیان «بیشتر هندو» هستند. یک گروه کوچک بومی یهودی هم در این کشور زندگی می‌کنند.

(<https://go2tr.co/bahrain>)

۳- کویت

کویت کشوری است در غرب آسیا و با کشورهای عراق و عربستان سعودی دارای مرزهای خاکی و با ایران از راه خلیج فارس دارای مرزهای آبی است. پایتخت آن، شهر کویت می‌باشد. زبان رسمی این کشور عربی و واحد پول آن دینار کویت است.

جمعیت کویت در سال ۲۰۱۴ میلادی (۱۳۹۳ هجری خورشیدی) ۴۰۱ میلیون نفر بود که ۱۰۴ میلیون نفر آنان شهروند کویت و ۲۰۸ میلیون نفر مهاجران بودند. از میان همه ساکنان کویت ۶۰ درصد عرب هستند. نزدیک به ۳۸ درصد از ساکنان کویت از تبار هندی، نپالی، بنگلادشی، تایلندی، خمر، ایرانی و سیاه‌پوست هستند. دین بیشتر شهروندان کویت اسلام است. در مورد پیروان مذاهب اسلامی در کویت آماری رسمی وجود ندارد، اما برآورد می‌شود که حدود ۶۰ درصد از شهروندان کویتی سنی و حدود ۴۰ درصد شیعه هستند.

میدان نفت بورگان در جنوب خاوری کشور کویت دومین میدان بزرگ خشکی در جهان است که بخش بزرگ تولید نفت این کشور را تأمین می‌کند. بخشی از تولیدات کشور کویت نیز از ذخایر هیدرکربونی موجود در ناحیه بی‌طرف تأمین می‌شود. کویت از لحاظ تقسیم‌بندی اداری دارای پنج استان است که هر یک از آن‌ها را استانداری که از سوی امیر منصوب می‌شود، اداره می‌کند. (مجتهد زاده، ۱۳۶۹)

۴- قطر

قطر تا سال ۱۹۹۵ میلادی؛ یک کشور کوچک بود که اقتصاد آن بر پایه صید سنتی مروارید و استخراج اندک نفت تأمین می‌شد و بقای آن منوط به روابط حسنه با عربستان، بحرین و انگلیس بود. برخی گزارش‌های منتشره نشان می‌دهد، نیروهای نظامی قطر تا ۱۹۹۵، تنها توان تأمین امنیت در داخل کشوری با جمعیتی کمتر از یک میلیون را نفر داشتند. سیاست قطر تا ۱۹۹۵ متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی، محتاطانه و دوری از هرگونه مناقشه بود. تا این زمان اگرچه قطر به عضویت برخی از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی در آمده بود، اما به دلیل کوچک بودنش حتی در خلیج

فارس هم به آن توجه نمی‌شد. آسیب‌پذیری این کشور کوچک باعث شد تا تأمین امنیت دغدغه اصلی «حمد بن خلیفه آل ثانی» امیر وقت این کشور شود.

درآمدهای ناشی از صادرات نفت و گاز، پایه‌های نخستین پیشرفت اقتصادی را برای قطر میسر کرده، اما پیشرفت این کشور کوچک بر پایه یک راهبرد کلی توسعه اقتصادی بنیان گذاشته شده که از سال ۱۹۹۰ میلادی به طور دقیقی طراحی و اجرا گردیده است.

قطر کشوری در جنوب غربی قاره آسیا در منطقه خاورمیانه و در شرق شبه‌جزیره عربستان، و در بخش جنوبی خلیج فارس واقع شده است. پایتخت آن، دوحه است. قطر مرز مشترک زمینی با عربستان سعودی، و مرز آبی با کشورهای ایران، کویت، عراق، عربستان، بحرین و امارات متحده عربی دارد.

پیش از کشف نفت خام، قطر بیشتر به خاطر شکار مروارید و تجارت دریایی شناخته می‌شد. این کشور تا سال ۱۹۷۱ تحت‌الحمایه بریتانیا بود. پس از استقلال در سال ۱۹۷۱ به سبب درآمدهای سرشار نفتی و گاز طبیعی، تبدیل به یکی از ثروتمندترین کشورهای منطقه شد.

زبان رسمی این کشور زبان عربی است و از زبان انگلیسی معمولاً به عنوان زبان دوم استفاده می‌شود. دین رسمی آن اسلام، واحد پول آن ریال و مساحت آن ۱۱،۴۹۳ کیلومتر مربع است. در سال ۲۰۱۷ جمعیت قطر ۲،۶ میلیون نفر بوده است. از این میان تنها ۳۱۳،۰۰۰ شهروند قطر و بقیه مهاجر هستند.

اقتصاد قطر یک اقتصاد کاملاً وابسته به گاز محسوب می‌شود. این کشور بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی مایع در جهان است. درآمد خالص قطر از صادرات نفت و گاز در سال ۲۰۱۴ میلادی حدود ۳۸ میلیارد دلار برآورد شده است. بیشتر مشتری‌های نفت و مواد پتروشیمی قطر، کشورهای آسیایی مانند ژاپن هستند. قطر کشوری وابسته به واردات است. حدود نیمی از مواد خوراکی مصرفی از مرز زمینی با عربستان وارد می‌شود. واحد پول این کشور ریال قطر است. تولید ناخالص داخلی این کشور ۳۵۳ میلیارد دلار است. (<https://go2tr.co/qatar>)

۵- عربستان

کشور عربستان سعودی یکی از کشورهای قاره آسیا و در منطقه راهبردی خاورمیانه است که با مساحت ۲/۲۴۰/۰۰۰ کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین کشور شبه جزیره عربستان محسوب می‌شود. عربستان از شمال به اردن و عراق و از جنوب به جمهوری یمن و عمان و از شرق به کویت، بحرین، قطر و امارات عربی متحده و خلیج فارس و از غرب به دریای سرخ محدود می‌شود و با همسایگان خود، دارای ۴۵۳۲ کیلومتر مرز زمینی است. اراضی عربستان، به نام باستانی یا به اسم عشایری که در آن ساکن هستند، خوانده می‌شوند.

عربستان در شمار خشک‌ترین و گرم‌ترین مناطق دنیاست. هوای این کشور در تابستان بسیار گرم و در زمستان معتدل می‌باشد. هوای جده گرم و مرطوب است و آب و هوای انتهای شرقی عربستان تا عمان از رطوبت متوسطی برخوردار است. در عربستان حتی یک رودخانه وجود ندارد که پیوسته به دریا بریزد، ولی در آن وادی‌هایی هست که سیلاب‌ها را در خود جمع می‌کند. در منطقه حضرموت نیز دره‌های عمیقی وجود دارد که دارای آبهای زیرزمینی فراوانی است. در این کشور بارندگی بسیار کم است، به گونه‌ای که متوسط بارش سالیانه این کشور ۱۰۰ میلی‌متر گزارش شده است.

عربستان دارای منابع و ذخایر طبیعی غنی و گسترده‌ای است. این منابع و ذخایر عبارتند از: نفت، گاز، طلا، نقره، مس، سنگ آهن، اورانیوم، فسفات، سنگ مرمر، روی، بوکسیت، پتاسیم، نمک، آهک و ...

پایتخت عربستان سعودی، شهر ریاض است و با آن که بیش از چند دهه از انتخاب آن به عنوان پایتخت نمی‌گذرد، توسعه چشمگیری یافته است. پس از ریاض، مهم‌ترین شهر سیاسی، پایتخت سابق این کشور، شهر جده است که هنوز نیز اهمیت خود را حفظ نموده و همه وزارتخانه‌ها در آن شعبه دارند و مقامات سیاسی چند ماه از سال را در آن اقامت می‌گزینند.

مهم‌ترین شهر مذهبی این کشور مکه است که به علت وجود مسجدالحرام و برگزاری مناسک حج در آن، از قداست خاصی برخوردار می‌باشد. پس از آن شهر مدینه به دلیل وجود مسجد و حرم نبوی و قبرستان بقیع در آن دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است.

مهم‌ترین بندر عربستان بندر جدّه است. این بندر که در ساحل دریای احمر واقع شده، از نظر سیاسی، تجاری و بازرگانی دارای اهمیت بسیار زیادی است. تعدادی از پایگاه‌های مهم نظامی و دریایی نیز در این بندر قرار دارند. در حال حاضر جدّه یک بندر آزاد بازرگانی و از پیشرفته‌ترین شهرهای عربستان محسوب می‌شود. این بندر محل ورود زائران خانه خدا نیز می‌باشد و فرودگاه بین‌المللی ملک عبدالعزیز در آنجا قرار دارد.

پس از جدّه، بنادر دمام، ینبع، جیزان، جیل، جبل و بندر نفتی رأس تنوره دارای اهمیت اند. عربستان به سیزده منطقه (استان) تقسیم شده است و در رأس هر منطقه امیری به حکم پادشاه نصب می‌شود. نژاد مردم عربستان سامی است.

دین رسمی این کشور اسلام است. ۸۵ درصد مردم آن سنی مذهب (حنبلی) و ۱۵ درصد شیعه هستند. زبان و خط رسمی این کشور، زبان و خط عربی است.

ارتش عربستان از چهار نیرو تشکیل شده و دارای سازمان‌های متعددی است. نیروهای نظامی این کشور گرچه تحت فرمان پادشاه هستند ولی رئیس ستاد نیروهای مسلح فرماندهی عملیات در چهار نیروی هوایی، دریایی، زمینی و نیروی ضد هوایی را برعهده دارد. (کتاب عربستان، معاونت اطلاعات ندسا ۱۳۹۶)

۶- عمان

عمان کشوری در جنوب غربی آسیا، واقع در شرق جزیره‌العرب و شرق عربستان سعودی است. این کشور به دلیل قرار گرفتن در جنوب تنگه هرمز دارای اهمیت راهبردی است. اسلام دین رسمی این کشور است و شیعیان سومین گروه مذهبی عمان را تشکیل می‌دهند و در سیاست و اقتصاد از نفوذ بالایی برخوردارند.^۱

1. <https://fa.wikishia.net/index.php?title1>

کشور پادشاهی عمان، دومین کشور بزرگ در شبه جزیره عربستان از نظر مساحت است و در حدود ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد.^۱ در آخرین سرشماری جمعیت این کشور حدود ۴/۶ میلیون نفر اعلام شده است. بزرگ‌ترین شهرهای پرجمعیت عمان عبارتند از: مسقط با حدود ۸۰۰،۰۰۰ نفر، سیب با حدود ۲۰۰،۰۰۰ نفر و صلاله با ۱۶۵،۰۰۰ نفر.^۲ کشور عمان دارای ۱،۷۰۰ کیلومتر مرز آبی است.^۳ (<http://omantrade.ir>)

۷- عراق

عراق با نام رسمی جمهوری عراق از کشورهای خاورمیانه و جنوب غرب آسیا است. بیشتر مردم این کشور شیعه هستند و شیعیان این کشور غالباً در مناطق جنوبی و مرکزی سکونت دارند. این کشور از جنوب با عربستان سعودی و کویت، از غرب با اردن و سوریه، از شرق با ایران و از شمال با ترکیه همسایه است. عراق در جنوب، مرز آبی کوچکی با خلیج فارس دارد. دو رود دجله و فرات از شمال به جنوب این کشور روان هستند و به خلیج فارس می‌ریزند. (گلی زواره، ۱۳۸۰: ۱۲۲). مساحت عراق ۴۳۸،۳۱۷ کیلومتر مربع است. در این کشور جمعیتی بالغ بر ۳۷ میلیون نفر زندگی می‌کنند که حدود ۸۰ درصد آن‌ها عرب، ۱۵ درصد کرد، ترکمن و آشوری و ۵ درصد را سایر قومیت‌ها تشکیل می‌دهند.^۴ بخش قابل توجهی از مساحت عراق به زمین و خشکی اختصاص دارد و تنها به میزان ۴۹۱۰ کیلومتر مربع از مساحت این کشور را آب‌ها تشکیل می‌دهند.^۵ (<https://lahzeakhar.com/Tourist-attractions-full-information/25163-%>)

تخمین‌ها نشان می‌دهد که کشور عراق دارای ۱۱۵ میلیارد بشکه ذخایر نفت در میدان‌های نفتی است که پس از ایران در رده پنجم قرار دارد. تخمین‌های زلزله‌نگاری نشان داده است احتمال این‌که این کشور در سال‌های آینده میدان‌های نفتی بیشتری داشته باشد، بسیار است. (<https://go2tr.co/>)^۶ (مجتهد زاده، ۱۳۶۹)

1. <https://fa.wikishia.net/view>

2. <https://lahzeakhar.com/tour>

3. <http://omantrade.ir>

4. <https://www.tabnak.ir/fa/news/867528/>

5. <https://lahzeakhar.com/Tourist-attractions-full-information/25163-%>

6. <https://go2tr.co/>

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

حوزه‌های راهبردی خلیج فارس:

الف - شاخص‌های قابلیت‌ساز و توانمندساز ایران:

این شاخص‌ها به صورت خلاصه در شکل ۱ نشان داده شده‌اند:



شکل ۱. شاخص‌های ایران در حوزه‌ی دریایی

جدول شماره ۱: حوزه‌های چهارگانه سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران در خلیج

فارس و جایگاه و تهدیدات متصور:

نکات کلیدی جایگاه (جایگاه)	تهدید متصور	جایگاه مطلوب	مؤلفه‌ها	ردیف
<p>۱- امتیازها، مزیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی و سیاسی</p> <p>۲- تولید قدرت در حوزه‌های چندگانه (سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و...)</p> <p>۳- جایگاه ارتباطی منطقه‌ای و جهانی</p> <p>۴- موقعیت کنترل‌کنندگی و فشار (له یا علیه دشمن)</p> <p>۵- تهدیدزایی (ساختاری، عارضی و تاریخی)</p> <p>۶- حوزه تلاقی منافع قدرت‌ها و بازیگران متعدد</p> <p>۷- مزیت موقعیت گذرگاهی (قدرت و اهرم راهبردی)</p> <p>۸- ایجاد فرصت بزرگ ملی برای توسعه و پیشرفت</p> <p>۹- احتمال شکل‌گیری ژئوپلیتیک جدید با قدرت‌یابی ایران، براساس مطالعات روندهای راهبردی آینده (تا پس از ۲۰۲۰)</p>	<p>تبدیل مزیت‌های ژئوپلیتیکی به تهدید و چالش</p>	<p>موقعیت مرکزی و هارتلند در منطقه و جهان</p>	<p>ژئوپلیتیکی و سیاسی</p>	<p>۱</p>

ردیف	مؤلفه‌ها	جایگاه مطلوب	تهدید متصور	نکات کلیدی جایگاه(جایگاه)
۲	اقتصادی	قطب اقتصاد منطقه‌ای و پایه توسعه ملی	محصور سازی، محروم‌سازی(تخریب و انهدام زیرساخت‌های اقتصادی و انرژی)	<p>۱- موقعیت تعیین کننده اقتصادی جهانی (تعریف مناطق ژئوپلیتیکی بر اساس معیار اقتصادی)</p> <p>۲- وابستگی جهانی به ۴۰ درصد نفت صادراتی خلیج فارس</p> <p>۳- وابستگی ایران به درآمدهای ناشی از دریا (نفت، گاز، فرآورده‌های نفتی، منابع آبی، توریسم دریایی و...)</p> <p>۴- سلاح نفت</p> <p>۵- بر عهده داشتن ۹۰/۴ درصد صادرات و واردات کشور (در برابر ۷/۵ درصد جاده‌ای و ۱/۲ درصد ریلی)</p> <p>۶- برخورداری از جایگاه مرکزی نفت و گاز جهان</p> <p>۷- گره خوردن با امنیت ملی، منطقه‌ای و جهانی</p> <p>۸- مزایای حمل و نقل دریایی</p> <p>۹- آبریزان و شیلات</p> <p>۱۰- جایگاه جزایر در دفاع و امنیت ملی</p> <p>۱۱- محیط زیست دریایی</p> <p>۱۲- اقتصاد توریسم دریایی (اکوتوریسم و ژئوتوریسم)</p>

ردیف	مؤلفه‌ها	جایگاه مطلوب	تهدید متصور	نکات کلیدی جایگاه (جایگاه)
۳	فرهنگی و اجتماعی	مبنای توسعه فرهنگی منطقه‌ای و جهان اسلام	استحاله فرهنگی و عدم بازدارندگی قدرت نرم و فرهنگی در منطقه	<p>۱- مشابهت زیرساخت‌های دینی، فرهنگی و مذهبی کشورهای همسایه در حوزه دریایی</p> <p>۲- کانون ظهور و توسعه اسلام</p> <p>۳- شاخص‌های دینی و فرهنگی همگون</p> <p>۴- کانون احیای اسلام ناب</p> <p>۵- مشروعیت نظامی‌های سیاسی منطقه از اسلام</p> <p>۶- توسعه کلان شهرها در سواحل دریا در آینده</p> <p>۷- تهدیدها و چالش‌های ایجاد کلان شهرها در سواحل</p> <p>۸- فرصت‌ها و مزیت‌های ایجاد کلان شهرها در سواحل</p> <p>۹- افزایش پیچیدگی‌های فرهنگی، یکی از روندهای آینده است.</p>

ردیف	مؤلفه‌ها	جایگاه مطلوب	تهدید متصور	نکات کلیدی جایگاه(جایگاه)
۴	نظامی	موقعیت بازدارندگی و دفاعی راهبردی عمق‌بخشی نظامی	محصورسازی، محروم‌سازی	۱- نقش بازدارندگی راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی ۲- موقعیت گذرگاهی و کنترل‌کننده ۳- محل بروز تهدید و درگیری و پاسخ به آن ۴- خط مقدم درگیری نظامی و خط مقدم پاسخ‌گویی به آن ۵- محیط رقابت قدرت‌ها بر سر مزیت‌های راهبردی خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای خزر ۶- افزایش عمق دفاعی و نظامی ۷- موقعیت ممتاز سواحل در دفاع ساحلی ۸- موقعیت سوق‌الجیشی جزایر در دفاع عمقی و مزیت‌های نظامی ۹- اعتباربخشی دفاعی و نظامی ۱۰- توسعه صحنه‌های دفاعی و نظامی در ابعاد راهبردی و تاکتیکی ۱۱- خنثی کردن مزیت‌های دریایی دشمن

ب- حوزه ژئوپلیتیکی و سیاسی خلیج فارس:

ژئوپلیتیک؛ بیان‌گر نقشی است که عوامل جغرافیایی در سیاست ملل ایفا می‌کنند. عده‌ای عوامل جغرافیایی را عمدتاً عواملی طبیعی می‌دانند و اعتقاد دارند که ژئوپلیتیک رابطه بین عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاست یک کشور را مطالعه نموده، به تفسیر وقایع تاریخی می‌پردازد و آینده را پیش‌بینی و خط‌مشی سیاسی کشور را تعیین می‌کند. در صورتی که ژئوپلیتیک تنها به عوامل جغرافیایی طبیعی نظیر موقعیت، فضا، شکل هندسی، اقلیم، توپوگرافی، خاک و مانند آن

نمی‌پردازد، بلکه تأثیر عوامل جغرافیایی انسانی نظیر جمعیت و خصوصیات آن، منابع، نهادهای سیاسی و اجتماعی، تکنولوژی، فرهنگ، قومیت و مانند آن را نیز بر سیاست داخلی و خارجی کشورها مطالعه می‌کند. به عبارت دیگر، در مطالعات ژئوپلیتیکی، عوامل ثابت و عوامل متغیر هر دو مورد توجه قرار می‌گیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۴۶۷).

«یوردیس فون لوهوزن»، در سال ۱۹۹۶ کتابی به نام «امپراتوری‌ها و قدرت: ژئوپلیتیک نوین» نوشت و در آن اشاره کرد که: «... خاورمیانه مرکز دنیای قدیم است، مرکزی که در دل آن، منطقه خلیج فارس قرار دارد و به منزله مرکز مرکز شناخته می‌شود».

اما مهم‌ترین نظریه ژئوپلیتیکی برای توجیه نقش دریاها در قدرت ملی کشورها، نظریه قدرت دریایی ماهان است. «آلفرد تایلر ماهان» (۱۸۴۰-۱۹۱۴) مؤلف کتاب «تأثیر نیروی بحری در تاریخ» که به پدر راهبرد دریایی معروف است، به تقویت قدرت دریایی اعتقاد پیدا کرد و معتقد شد که نظارت بر دریاها، اولین گام در جهت کسب قدرت جهانی است. پس به آمریکا پیشنهاد کرد که چون از اوضاع جغرافیایی مشابهی با انگلیس برخوردار است، در جهت کسب قدرت دریایی گام بردارد. وی توسعه قدرت دریایی ملل را وابسته به شش عامل می‌دانست:

- ۱- موقعیت جغرافیایی و مجاورت با دریاها؛
- ۲- وضعیت طبیعی و شکل ساحل و وجود امکان احداث بنادر و پناه‌گاه؛
- ۳- وسعت خاک و طول ساحل و درجه سهولت دفاع از آن؛
- ۴- میزان جمعیت و رابطه آن با ساخت و تولید کشتی و ناوگان دریایی؛
- ۵- خصوصیات ملی و علاقه ذاتی مردم به امور دریایی؛
- ۶- سیاست دولت در اختصاص منابع طبیعی و انسانی کشور به توسعه قدرت دریایی (حافظ‌نیا، ۱۳۶۸: ۴۱۷-۴۱۶).

ماهان در مورد خلیج فارس گفته است: «کنترل خلیج فارس به وسیله یک دولت خارجی با نیروی دریایی قابل توجه و کشتی‌های جنگی که دارای بندر نظامی نیرومند باشد، باعث تسلط بر تمام راه‌هایی که به خاور دور، هندوستان و استرالیا منتهی می‌شود، خواهد شد... با وجودی که انگلیس بدون شک به مقابله با چنین ناوگانی بر خواهد خواست، ولی همین دسته، قشون بزرگی

خواهد بود که مقداری از نیروی دریایی را بلوکه کرده و آن را تضعیف می‌کند» (حافظ‌نیا، همان: ۴۱۷).

عامل ژئوپلیتیکی مهم دیگر خلیج فارس، وجود جزایر مهم و سوق‌الجیشی است. جزایر باعث خواهند شد تا عمق سرزمین و وسعت آن افزایش یافته و مواضع دفاعی خوبی برای کشور ایجاد نمایند. شرایط و جایگاه جزایر باعث خواهد شد تا یک کشور موقعیت راهبردی پیدا کرده و جزء بازیگران مؤثر منطقه‌ای و بین‌المللی به‌شمار آید. موقعیت طبیعی یک جزیره، ممکن است باعث شود تا کشوری برای تأمین منافع خود، به نقاط دوردست عزیمت کرده و از آن محل به کنترل ترددات دریایی، تحرکات کشورها در ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی و همچنین بر روند تجارت جهانی بپردازند. نمونه بارز این مسئله، جزیره دیه‌گو گارسیا در اقیانوس هند است که آمریکا برای تأمین منافع خود در حوزه‌های اقیانوس هند، دریای عمان، خلیج فارس، دریای عربی، دریای سرخ و سه تنگه راهبردی هرمز، مالاکا و باب‌المندب، و نیز برای پشتیبانی از واحدهای مستقر در آب‌های فوق، در آن استقرار پیدا کرده است.

یافته‌های کلیدی خلیج فارس در حوزه ژئوپلیتیکی و سیاسی

در یک جمع‌بندی مختصر، می‌توان کارکردهای ژئوپلیتیکی خلیج فارس را برای ایران و راهبرد دفاعی آن در حال و آینده، ناشی از نقش عوامل زیر دانست:

۱- برتری‌های ژئوپلیتیکی کشورها، بر اساس امتیازها و مزیت‌های محیط جغرافیای طبیعی و جایگاه آن‌ها در منطقه و جهان تعیین می‌شود.

۲- موقعیت ژئوپلیتیکی کشورها می‌تواند تولیدکننده مزیت‌ها و فرصت‌های متعددی باشد، و بر عکس نیز می‌تواند محدودیت‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و چالش‌هایی را برای آن ایجاد نماید (احمدی‌پور، ۱۳۹۲: ۳).

۳- مزیت‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی ناشی از جغرافیا، می‌تواند به تولید قدرت در ابعاد چندگانه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، دفاعی و نظامی منجر شود.

۴- حوزه دریایی خلیج فارس، حوزه‌ای است که در سیستم‌های ژئوپلیتیکی مهمی چون خاورمیانه قرار دارد و بر حوزه‌های آسیای مرکزی، قفقاز، و شبه‌قاره تأثیر مستقیم و غیرمستقیم دارد.

- ۵- حوزه دریایی خلیج فارس، به دلیل وجود منابع انرژی، جایگاه ارتباطی، مؤلفه‌های فرهنگی و مذهبی، و قرار گرفتن در حوزه‌های منافع قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها، دارای چالش‌های درازمدت از گذشته تا کنون است.
- ۶- حوزه دریایی خلیج فارس، به لحاظ تاریخی، ساختاری و عارضی که عمدتاً ناشی از منافع، اهداف، اقدامات و نیت پنهان و آشکار غرب است، از موقعیت دائمی خصومت آمیز و چالش‌زا برخوردار است.
- ۷- در حوزه دریایی خلیج فارس، قابلیت‌های سیاسی چالش‌زایی نقش آفرینان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بسیار است.
- ۸- در حوزه دریایی خلیج فارس، قابلیت یا تمایل نقش آفرینان خارجی به نفوذ و مداخله بیشتر وجود دارد و این مداخله، با شرایط و هزینه‌های خاص، قابل عملی شدن است.
- ۹- حوزه دریایی خلیج فارس، به دلیل برخورداری از ویژگی حلقه و پل ارتباطی میان سه قاره جهان (قاره آفریقا به آسیا و اروپا) و تلاقی منافع قدرت‌ها، دارای ثبات و امنیت پایدار نیست.
- ۱۰- نزدیکی حوزه دریایی خلیج فارس، به دو تنگه بزرگ و مهم جهان (تنگه باب‌المنندب و کانال سوئز) و هم‌جواری با تنگه بزرگ و مهم هرمز، آن را در موقعیت گذرگاهی و ژئواستراتژیک خاصی قرار داده و به نقش آفرینی در راهبردهای دفاعی و نظامی قدرت‌ها وارد کرده است.
- ۱۱- هم‌چنان‌که برژینسکی در سال ۱۹۹۷ می‌گوید: «از زمان شکل‌گیری نظام دولت در سال ۱۶۴۸ تا کنون، اوراسیا کانون سیاست بین‌الملل بوده است. (Brzezinski, 1997: xiii) در طی جنگ سرد، آمریکا (قدرت بحری) جهت مهار شوروی (به‌عنوان قدرت برّی) اقدام به شکل‌دهی یک سلسله ترتیبات امنیتی در چارچوب راهبرد مهار (یا همان سد نفوذ) کرده بود. از جمله ناتو در اروپا، سنتو در خاورمیانه، سیتو در جنوب آسیا، آنزوس در حوزه پاسیفیک و قراردادهای دوجانبه امنیتی با ژاپن و کره. این ترتیبات بر اساس نظریه ژئواستراتژیک «ریملند» که اسپایک‌من آمریکایی مطرح کرده بود، بنا شدند.
- به نظر می‌رسد راهبرد مهار، این بار در کشورها و سرزمین‌های اطراف روسیه، با دو هدف از سوی آمریکا دنبال می‌شود:

* مهار روسیه از طریق حضور در کشورهای حاشیه جنوبی (کشورهای حوزه دریای خزر) و اروپای شرقی (بحث سپر موشکی و ...)

* کامل کردن حلقه محاصره ایران (از طریق حضور مقدم در کشورهای پیرامونی آن در شمال، شرق، غرب و جنوب).

یکی از حوزه‌ها و صحنه‌های اصلی حضور مقدم آمریکا برای تکمیل محاصره ایران که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفته است، حوزه خلیج فارس است که از سال ۱۹۸۸ تا کنون، شاهد بزرگ‌ترین حضور شناورهای جنگی آمریکا در این منطقه، نسبت به سایر نقاط جهان بوده است.

۱۲- برخی کارشناسان معتقد به پدید آمدن ژئوپلیتیک جدید، مبتنی بر اقتصاد و منابع اقتصادی هستند. افزایش فشار بر منابع، به خصوص انرژی، و ظهور قدرت‌های نوظهور همچون هند، چین و ایران ممکن است منجر به بازگشت رقابتی بزرگ به صحنه و امکان بروز جنگ شود (فولادی، ۱۳۹۱: ۲۳).

پ- حوزه اقتصادی خلیج فارس:

نکات کلیدی در مورد این حوزه شامل موارد زیر است:

۱- انجام مطالعات پایش روندها از سوی انگلیس و آمریکا تا افق سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۴۰، نشان از روند رشد اقتصادی ایران است. این روندها حاکی از جسارت ایرانی‌هاست. بر این اساس، ایران به رشد پایدار بر اساس ذخایر نفت و گاز و موقعیت مرکزی ژئواستراتژیک و افزایش سریع جمعیت جوان خود ادامه خواهد داد. منابع عظیم انرژی ایران و موقعیت جغرافیایی آن در ورودی خلیج فارس، یک قدرت و اهرم راهبردی بزرگ به این کشور خواهد داد (فولادی، ۱۳۹۱: ۲۸).

۲- در نظریه‌های ژئوپلیتیکی گذشته، خلیج فارس در شمار سرزمین‌های حاشیه‌ای محسوب می‌شد، اما اکنون در نظریه‌های جدید ژئوپلیتیکی، خلیج فارس به قلب زمین (هارتلند)، محور و یا مرکز تبدیل شده است.

۳- علی‌رغم فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، در قرن ۲۱ راهبردهای نظامی همچنان نقش اساسی داشته و تسلط بر قلمروهای راهبردی (ژئواستراتژیک) در رأس اهداف دولت‌ها قرار دارد. روند کنونی، بیشتر بیان‌گر این موضوع است که قدرت جهانی را کسی خواهد داشت که بتواند بر

منابع و خطوط انرژی (نفت و گاز) تسلط داشته باشد. این تفکر راهبردی قبل از هر چیز، کنترل بر مناطق دارای ذخایر نفت و گاز در مقیاس کلان را مد نظر دارد. خلیج فارس و پس از آن دریای خزر، آسیای مرکزی و قفقاز و سرزمین‌ها و راه‌های مجاور آن‌ها (در کشورهای اطراف و عبوری) مانند افغانستان، پاکستان، ترکیه و روسیه در ارتباط با حلقه‌های انرژی جهانی، مورد توجه هستند.

۴- یکی از ویژگی‌های اصلی نظام جدید جهانی، اهمیت یافتن نقش و کارکردهای اقتصاد در عرصه جهانی است. در حال حاضر قدرت اقتصادی تا حد زیادی، تعیین‌کننده جایگاه و نقش کشورها در نظام جهانی است. از این رو، مناطقی که از نظر انرژی غنی باشند، اهمیت می‌یابند و در نتیجه، در نظام جدید جهانی، مناطق اقتصادی (ژئواکونومیک) موقعیت بهتری خواهند یافت.

۵- در توازن قدرت‌های آینده، برتری متعلق به قدرتی خواهد بود که بر مناطق اقتصادی جهان مسلط شود. از این نظر هر کشوری که بر خلیج فارس تسلط داشته باشد، به موقعیت برتری در صحنه بین‌المللی دست پیدا خواهد کرد (امامی، ۱۳۹۰، در: www.persiangulfstudies.com). از همین روست که اگر به حوزه مسئولیت نیروی سنت کام^۱ آمریکا توجه شود، این نیرو برای حضور و اقدام در مناطقی ایجاد شده است که از چنین مزیت‌هایی برخوردارند. این فرماندهی حوزه‌ای را تحت مسئولیت خود دارد که شامل ۲۰ کشور؛ افغانستان، بحرین، مصر، ایران، عراق، اردن، قزاقستان، کویت، قرقیزستان، لبنان، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تاجیکستان، ترکمنستان، امارات عربی متحده، ازبکستان و یمن است (Tristam, 2010, at: centcom-definition.htm).

۶- نفت صادرشده از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز، حدود ۴۰ درصد نفت دنیا را تأمین می‌کند. بر اساس اعلام آژانس اطلاعات انرژی آمریکا، حجم صادرات نفت از تنگه هرمز، حدود ۳۰ تا ۳۴ میلیون بشکه در روز است.

۷- در ماه می سال ۲۰۰۷، آژانس بین‌المللی انرژی در برآوردی اعلام کرد که ۱۳/۴ میلیون بشکه نفت خام در روز از تنگه هرمز در تانکرها انتقال می‌یابد. علاوه بر این، حدود ۲ میلیون بشکه محصولات نفتی، شامل سوخت و گاز مایع (LNG) از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز حمل

1 CENTCOM

می‌شود. تا جایی که صادرات LNG از بزرگ‌ترین صادرکننده آن یعنی قطر، از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز، به آسیا و اروپا ۳۱ میلیون تن در سال است.

۸- ۹۰ درصد نفت خلیج فارس از طریق تنگه هرمز صادر می‌شود.

۹- تسلیحات نظامی آمریکا برای رسیدن به کشورهای حاشیه خلیج فارس و عراق، از طریق تنگه هرمز انتقال می‌یابند.

۱۰- روند نزولی تولید نفت در کشورهای صنعتی طی سال‌های اخیر و عدم جایگزینی انرژی مناسب به جای آن و نیز منابع فراوان و ارزان نفت و گاز خلیج فارس، و وابستگی کشورهای غربی به ذخایر این منطقه، اهمیت بیش از پیش خلیج فارس را آشکار کرده و کنترل بر روند تولید و توزیع انرژی از سوی آن‌ها را به دنبال داشته است. به همین منظور، یکی از مأموریت‌های اصلی ستاد مرکزی ارتش آمریکا، اطمینان حاصل کردن از امنیت صادرات نفت و انرژی از طریق تنگه هرمز است.

۱۱- ایران هم‌اکنون در مرکز ۷۵ درصد از منابع انرژی جهان، بین حوزه خلیج فارس و حوزه دریای خزر قرار گرفته و این موقعیت حساس راهبردی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، امنیت ملی ایران را با امنیت منطقه و جهان گره زده است (رحمانی فضلی، ۱۳۸۳: ۱).

۱۲- احتمال استفاده ایران از سلاح نفت و کنترل مسیر صادرات آن در پی افزایش تهدیدات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی، باعث شده تا تحلیل‌گران از بسته شدن تنگه هرمز در صورت هرگونه تحرکی از جانب آمریکا و رژیم صهیونیستی، سخن بگویند.
(<http://www.persiangulf.forever.persianblog.ir>).

۱۳- بر اساس آمارهای سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای کشور، در ۷ ماه ابتدای سال ۱۳۸۹، ۹۰/۱۳۸۹،۴ درصد از صادرات و واردات کشور از طریق دریا، ۷/۵ درصد از طریق جاده و ۲/۱ درصد از طریق خطوط ریلی صورت گرفته است. بر اساس این گزارش، در ۷ ماه ابتدای سال جاری، ۳۳ میلیون تن کالای نفتی و غیر نفتی از مرزهای زمینی و آبی وارد و ۲۳/۹ میلیون تن انواع کالاهای نفتی و غیر نفتی از کشور خارج شده است. (<http://www.noavarantarkhis.com>)

۱۴- بنا به اعلام سازمان بنادر و کشتی‌رانی ایران، ظرفیت مبادلات دریایی ایران در حال حاضر ۲۱۰ میلیون تن است و این در حالی است که این میزان در سطح جهان معادل ۷/۷۵ میلیارد تن است و سهم ایران از تبادلات دریایی، معادل ۳ درصد است. از این نظر، ایران در حال حاضر

در منطقه مقام اول، در آسیا مقام دوازدهم و در سطح جهان مقام بیستم را در اختیار دارد و ناوگان نفتکش ایران در منطقه مقام اول و در جهان مقام چهارم را به خود اختصاص داده است. افزایش سهم بیشتر از تبادلات دریایی جهان، به معنی قدرت مند بودن قدرت دریایی در بخش غیرنظامی است که نیازمند پشتیبانی‌های دفاعی و نظامی است که باید متناسب با آن، ایجاد و توسعه یابد.

۱۵- با نگاهی به تئوری‌هایی چون هارتلند و ریملند، می‌توان گفت که ایران و دریاهای پیرامونی آن، در مرکزیت هارتلند نفتی و گازی جهان قرار دارند. از این رو، آمریکا تمام مناطق ریملند آن را محاصره کرده و در آن‌ها حضور نظامی مستقیم یافته است.



نقشه‌ی ۱. هارتلند ژئوپلیتیکی انرژی جهان

علی‌رغم تلاش‌های اخیر در رابطه با کاهش وابستگی اقتصادی به نفت، منافع و اهداف امنیت ملی ایران در دریا، تنها منحصر به نفت نبوده و متأثر از اهداف و نیات بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی در این منطقه است. به همین سبب، امنیت دریا و جریان نفت، همان‌گونه که یکی از دغدغه‌های اصلی جهانی است، یکی از دغدغه‌های اصلی ایران نیز می‌باشد؛ زیرا محیط

دریایی ایران، به دلایل متعدد، در کنار مزیت‌ها و فرصت‌های زیاد، در بر دارنده تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های متعددی نیز است که راهبرد دفاعی کشور، باید در پی رفع تهدیدها و کاهش آسیب‌پذیری‌های فوق باشد.

ت- حوزه فرهنگی خلیج فارس:

نکات کلیدی در مورد این حوزه شامل موارد زیر است:

- ۱- زیرساخت‌های دینی، فرهنگی و مذهبی کشورهای همسایه در حوزه دریایی خلیج فارس، از مشابهت بسیار بالایی برخوردار است.
- ۲- منطقه خلیج فارس، کانون ظهور و توسعه اسلام است و از این منظر از جایگاه و احترام خاصی در بین جمعیت مسلمان این منطقه برخوردار است.
- ۳- اکثر شاخص‌های دینی و فرهنگی این منطقه همگون بوده و از این منظر نیز اشتراکات آن‌ها بسیار بیش از افتراقاتشان می‌باشد.
- ۴- از بیش از چهار دهه پیش و با انقلاب اسلامی ایران، این منطقه کانون و خاستگاه احیای اسلام ناب محمدی (ص) بوده و آثار بارز آن از چند سال قبل در بیداری اسلامی کشورهای مسلمان منطقه، قابل مشاهده است.
- ۵- مشروعیت نظامی‌های سیاسی منطقه، حتی به صورت ظاهری، از اسلام و قوانین آن ناشی می‌شود. از این رو، بسیاری از حکومت‌های منطقه، حتی به صورت ظاهری هم که شده، خود را خادمین اسلام و مسلمین معرفی می‌کنند.
- ۶- توسعه کلان‌شهرها در سواحل خلیج فارس در آینده، از دیگر متغیرهایی است که دارای آثار فرهنگی و اجتماعی زیادی در تعامل ملت‌های دو سوی ساحل خلیج فارس است.
- ۷- افزایش و توسعه کلان‌شهرها در سواحل دریا، تهدیدها و چالش‌های خاصی را از دیدگاه‌های امنیتی ایجاد می‌کند که می‌تواند بر متغیرهای مختلف امنیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آثار متفاوت و متعددی بر جای بگذارد.
- ۸- توسعه کلان‌شهرها در سواحل دریا، در کنار تهدیدها و چالش‌های خاص خود، می‌تواند موجب ایجاد فرصت‌ها و مزیت‌هایی نیز باشد که باید آن‌ها را مورد توجه قرار داد.

(۹) - افزایش پیچیدگی‌های فرهنگی، یکی از روندهای آینده است. این پیچیدگی، در بر دارنده تهدیدها و یا فرصت‌هایی است که باید در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به آن‌ها توجه شود.

ث - حوزه نظامی خلیج فارس:

نکات کلیدی در مورد این حوزه شامل موارد زیر است:

- ۱- خلیج فارس، علاوه بر جنبه‌های مختلف که باعث اهمیت آن شده است، دارای جایگاه و کارکردهای قابل توجهی در راهبرد دفاعی ج.ا. ایران و همچنین، راهبردهای دفاعی و نظامی کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای است.
- ۲- جنبه‌های تشریحی، ژئومورفولوژی و توپوگرافی خلیج فارس، فرصت‌ها و مزیت‌های عملیاتی و تاکتیکی زیادی را برای یگان‌های سطحی، زیرسطحی و سایر عملیات‌های دریایی ایجاد می‌کند.
- ۳- وجود سواحل طولانی، و خورها و خلیج‌های متعدد در سراسر سواحل خلیج فارس، یکی از جنبه‌هایی است که می‌تواند مباحثی چون اختفا و پوشش را برای یگان‌های سسطحی کوچک و نیروها و تجهیزات و تسلیحات نظامی، ایجاد نماید.
- ۴- برجستگی‌ها و ارتفاعات سلسله‌ای موجود در سواحل و موازی بودن آن‌ها با سواحل خلیج فارس، مواضع پدافندی کارآمدی را برای نیروهای نظامی پدید آورده است.
- ۵- ویژگی‌های راهبردی اقتصادی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خلیج فارس، ظرفیت ایجاد بازدارندگی در سطح راهبردی نظامی را دارد؛ زیرا آسیب‌پذیری‌های زیرساخت‌های اقتصادی منطقه و خاصه منابع انرژی، به گونه‌ای است که بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ریسک آغاز یک عملیات نظامی را قبول نمی‌کنند.
- ۶- وجود جزایر متعدد ایران در سراسر آب‌های خلیج فارس و خاصه در مدخل تنگه راهبردی هرمز، توانایی‌ها و مزیت‌های نظامی این کشور را در سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی، افزایش داده است. وجود این جزایر، می‌تواند لایه‌های دفاعی مستحکم و متوالی را برای ایران تشکیل دهد و حداقل منافع آن، تأخیرهای متوالی در عملیات تهاجمی دشمن به سمت ساحل اصلی است که با

این کار، زمان را به زیان مهاجم هدر داده، تلفات و ضایعات را افزایش داده، و فرصت بازسازی و دفاع خودی را افزایش خواهد داد.

۷- کم بودن عمق آب در سراسر سواحل جنوبی این دریا، محدودیت‌های عملیاتی و تاکتیکی فراوانی را برای استقرار، تردد و مانور شناورهای نظامی بزرگ ایجاد کرده است که از این منظر، این شرایط برای ایران مزیت و برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، آسیب‌پذیری‌های زیادی را رقم زده است.

۸- جنبه‌های تاکتیکی مناسب خلیج فارس و عوارض طبیعی آن، فرصت‌ها و مزیت‌های فراوانی را از منظر، دید و تیر، اختفا و پوشش، اشراف اطلاعاتی بر تحرکات دشمن، رصد صحنه عملیات و نبرد، تسهیل اجرای آتش علیه مواضع و شناورهای دشمن و سایر جنبه‌های تاکتیکی مورد نیاز، در اختیار قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

یکی از الزامات جدی و مهم ایران در عصر جدید، رویکرد نگاه نوین به شرق و همسایگان است. تحول در حل مشکلات برای کاهش فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب ارتباطات و تعاملات ایران با کشورهای همسایه و بلوک قدرت شرق (چین، هند، روسیه) یکی از ضروریات است. در راستای تحول برای حل مشکلات دامنه‌دار میان ایران و همسایگان آن، باید راهبردهای نوینی طراحی و اجرا شود. استفاده از دو عنصر صبر و ظرفیت تحمل و مدارا، می‌تواند این رویکرد را به موفقیت برساند.

در عصر کنونی، یکی از مؤلفه‌های قدرت و قدرت‌ساز، کمیت و کیفیت ارتباطات و تعاملات ایران با همسایگان و میزان هم‌گرایی و همکاری فی‌مابین است. برای محقق شدن چنین رویکرد نوینی، نیاز به تحلیل محیط امنیتی و ترسیم یک چشم‌انداز و در نهایت یک نقشه راه همه‌جانبه است.

تاکنون فرصت‌های ناشی از دومین کشور پر همسایه دنیا بودن، برای ایران به یک راهبرد مشخص و عملیاتی به منظور تشکیل اجتماع هویت‌بخش یا سازمان‌دهی فرهنگی و سیاسی مشخصی مثل سیاست همسایگی تبدیل نشده است. این در حالی است که درهم‌تنیدگی فرهنگی و

تاریخی با این تعداد کشور می‌تواند یک فرصت بی‌نظیر برای نزدیکی ملت‌های منطقه بر اساس فرصت‌ها و چالش‌های مشترک باشد. مجاورت جغرافیایی صرف، به‌خودی‌خود شاخص ضعیفی برای صحبت از موفقیت یا طرح بحث درباره اهمیت آن است. رویکرد متناسب با کشورهای همسایه، انعطاف‌پذیری در تعاملات سیاسی - امنیتی؛ روزآمد کردن قوانین تجاری و اتخاذ مسئولیت مشترک در مواجهه با مخاطرات، بخشی از این ضرورت است. هدف نیز باید تعمیق تعامل با کشورهای همسایه حول منافع مشترک و دسترسی به فرصت‌هایی مشترک باشد.^۱ در همین راستا، محقق با مطالعه تعداد زیادی از آثار مرتبط با موضوع، راهبردهای زیر را برای این رویکرد برگزیده است:

- راهبرد ۱: تغییر نگرش و رویکرد نگاه به همسایگان از منظر سیاست خارجی
- راهبرد ۲: تقویت سیاست تنش‌زدایی بر محور اشتراکات سیاسی، فرهنگی و عقیدتی و وابستگی‌های متقابل اقتصادی
- راهبرد ۳: حل و فصل چالش‌ها و تنش‌های منطقه بدون حضور کشورهای خارجی
- راهبرد ۴: کنترل و کاهش رقابت تسلیحاتی میان کشورهای منطقه، در راستای حفظ موازنه قوا
- راهبرد ۵: دستیابی به نظام امنیت جمعی بومی میان کشورهای منطقه و بدون حضور کشورهای خارجی
- راهبرد ۶: افزایش تعامل با بازیگران هم‌سو به قصد تأمین نیازهای حیاتی کشور
- راهبرد ۷: اعتمادسازی و ثبات‌سازی راهبردی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی
- راهبرد ۸: اقتناع راهبردی کشورهای منطقه‌ای در مورد ثبات‌زا و امنیت‌آفرین بودن توان دفاعی و نظامی ایران.
- راهبرد ۹: استفاده درست و به‌هنگام از مزیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور در راستای ثبات‌سازی منطقه‌ای
- راهبرد ۱۰: اتحادسازی و ائتلاف‌سازی منطقه‌ای قدرتمند و تأثیرگذار بر روابط کشورهای منطقه، در مسیر عادی‌سازی روابط فی‌مابین

۱. ابرار معاصر، سیاست همسایگی ج.ا. ایران؛ بایسته‌ها و الزامات، قابل پی‌گیری در: <https://www.ilna.news/>
نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

- راهبرد ۱۱: انعقاد پیمان‌های سیاسی، اقتصادی و دفاعی و نظامی مشترک دو یا چندجانبه با کشورهای منطقه، در راستای افزایش امنیت متقابل
- راهبرد ۱۲: فعال‌سازی دیپلماسی دفاعی (توسعه عمق راهبردی جغرافیایی، ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک) در راستای توسعه تعاملات فی‌مابین کشورهای منطقه
- راهبرد ۱۳: فعال‌سازی راهبرد هم‌گرایی و تأثیرگذاری حداکثری منطقه‌ای در راستای جذب حداکثری کشورهای منطقه به نظام امنیت جمعی بومی.
- راهبرد ۱۴: توسعه وابستگی متقابل اقتصادی با کشورهای منطقه، در راستای توسعه عمق راهبردی اقتصادی متقابل.
- راهبرد ۱۵: تحرک بخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتو فرصت‌ها، قوت‌ها و مزیت‌های ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران.
- با توجه به مطالب بیان‌شده، پیشنهادی زیر ارائه می‌شود:
- ۱- شناخت نیازمندی‌های هر یک از همسایگان در کنار درک توانایی‌های منطقه‌ای کشورمان، در حوزه‌های چهارگانه بالا؛
 - ۲- ترسیم چشم‌انداز ارتباط با همسایگان و ترسیم نقشه راه برای تحقق این چشم‌انداز در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛

فهرست منابع

- ابرار معاصر، سیاست همسایگی ج.ا. ایران؛ بایسته‌ها و الزامات، قابل پی‌گیری در: <https://www.ilna.news/>
- اقتداری، احمد، خلیج فارس، چاپ دوم، ۱۳۵۶.
- امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۴)، سیاست خارجی منطقه‌ای ایران (بخش اول)، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال هفتم، شماره ۱۲-۱۱ مرداد و شهریور.
- ام. کالینز، جان، راهبرد نظامی: اصول، شیوه‌ها و ابعاد تاریخی، ترجمه عبدالمجید حیدری، دانشگاه امام حسین (ع) (مرکز مطالعات دفاعی و امنیتی)، ۱۳۸۹.
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۴)، پیامدهای حضور آمریکا در منطقه، روزنامه رسالت، (۲۶ اسفند ۱۳۸۴).
- ذوالفقاری، مهدی (۱۳۸۶) ژئوپلتیک خلیج فارس ایران و آمریکا (تهدیدها و فرصت‌های فرارروی جمهوری اسلامی، ره آورد سیاسی شماره ۱۵
- رنجبر، مقصود (۱۳۷۸)، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبری، چاپ اول.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۴)، شناخت خلیج فارس در قالب مبانی نظری، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دهم، شماره اول و دوم.
- سیمبر، رضا (۱۳۸۵)، دیپلماسی ایران و تحولات تازه منطقه خلیج فارس، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۱-۲۱۲.
- شهلائی، بهنام، ماهنامه تدبیر، سال هفدهم، ۱۳۸۵، ش ۱۷۵.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، کتاب امنیت بین الملل ۱: فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۴)، کتاب امنیت بین الملل (۳): فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- کتاب آمریکا (۲) (ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات متحده در عراق) (۱۳۸۲)، گردآورنده شورای غیردولتی روابط خارجی مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ نظارت و تدوین علی عبدالله خانی، تهران: انتشارات ابرار معاصر تهران، چاپ اول.
- گلی زواره، سرزمین اسلام، ۱۳۸۰ شمسی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپولوتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران: نشرنی، چاپ اول.
- ویکی پدیا، خلیج فارس، ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۱.

Brzeinski Zbigniew and Brent Scowcarft and Richard Morph.(1909). Differantiad ontaimant ،

Foreign Affairs. (may/june 1909).

Jane,s Sentinel, November 1999 – April 2000, P. 34-38.

<https://fa.wikishia.net/index.php?title1>

<https://fa.wikishia.net/view>

<https://lahzeakhar.com/tour>

<http://omantrade.ir/>

<https://www.tabnak.ir/fa/news/867528/>

<https://lahzeakhar.com/Tourist-attractions-full-information/25163-%>

<https://go2tr.co/>

<http://www.pmo.ir; 7/2/1387>